



سرکوبگر و اطلاعاتی رژیم «فقاقت» شدت گرفت. با خودکشی و یا کشاندن سعید امامی، برای مخومه اعلام کردن پرونده قتل های نفرت انگیز وزارت اطلاعات رژیم، تصویب طرح اصلاح قانون مطبوعات در مجلس و سپس بستن روزنامه «سلام» کاملاً روشن بود که ارتجاع، دور تازه ای از یورش به جنبش مردمی

ادامه در صفحه ۵

سرود خوانان آزادی!

«این ۱۸ تیرماه، ۱۶ آذر ماست!»

مرگ بر استبداد!

خامنه ای حیا کن سلطنت را رها کن!

توپ تانک بسیجی دیگر اثر ندارد!

آزادی اندیشه همیشه همیشه!

نگاهی گذرا به گذشته

با شکست رژیم «ولایت فقیه» در انتخابات ریاست جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶، شکست مفتضحانه انتخابات مجلس خبرگان، انتخابات شوراهای شهر و روستا، شرکت گسترده دانشجویان به مناسبت سالگرد پیروزی ۲ خرداد، در پارک لاله، گردهمایی دانشجویان در روز چهارم خرداد ۷۸ در حمایت از زندانیان سیاسی (دکتر محسن کدیور و ...) در داخل دانشگاه و ... هجوم سبعانه، به تظاهرات آرام دانشجویی، توسط عوامل

نامه مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۶۱۲، دوره هشتم

سال هجدهم، ۱۲ تیرماه ۱۳۸۰

جنبش اعتراضی کارگران و

زحمتکشان

و ضرورت پیوند مبارزات

صنعی با جنبش عمومی خلق

بر ضد استبداد

جنبش کارگری- سندیکایی میهن ما، از آغاز سال جاری، برغم دشواری های فراوان و موانع متعدد، همچنان به مبارزه خستگی ناپذیر و دلاورانه خود ادامه می دهد. از ابتدای سال جاری مراکز کارگری کشور، بار دیگر شاهد مبارزه بی امان زحمتکشان برای تامین خواست های برحق صنفی- رفاهی خود بودند. مبارزه بی که به ویژه در عرصه هایی مانند مخالفت با خصوصی سازی و جلوگیری از رکود و تعطیلی کارخانه ها و مخالفت سرسختانه با ورود کالاها خارجی به بهای و رشکستگی تولید ملی، دارای ماهیت و مضمون سیاسی و طبقاتی روشن است.

یک حرکت مستقل و مشترک کارگری!

هفته گذشته، در پی سلسله اعتراضات کارگری، کارگران کارخانه های کفش شادان پور و پیت ری، در یک اقدام شگوهمند و آگاهانه که در آینده تاثیرات مثبت خود را به طور حتم بر جنبش کارگری برجا خواهد گذاشت به یک پیروزی نسبی دست پیدا کردند. حرکت هفته گذشته کارگران در مقابل مجلس این نکته را به اثبات رساند که حرکت های مستقل و مشترک کارگری مرتجعان حاکم را سریعاً به عقب نشینی وادار می سازد. هفته گذشته کارگران کارخانه کفش شادان پور، با پیوستن به تجمع اعتراضی کارگران پیت ری در مقابل مجلس با سردادن شعارهایی بر ضد بنیاد مستضعفان و

ادامه در صفحه ۴

آزموده را آزمودن خطاست!

جنبش مردمی و خواست های آن پس از انتخابات ۱۸ خرداد ۱۳۸۰

عقلانیت، به تدریج و به دور از شتابزدگی ادامه دهیم.» به گفته خاتمی: «تنها اعتدال و تعادل هم به عنوان استراتژی و هم تاکتیک می تواند ما را به سر منزل مقصود برساند.»

سؤال اساسی بی که در اینجا مطرح است این است که آیا این سیاست و روش، که امروز از سوی آقای خاتمی طرح می شود با آنچه که در چهار سال گذشته از سوی او و طرفدارنش دنبال شده است، تفاوتی دارد. آیا سیاست «اعتدال و تعادل»، همان سیاست «فشار از پایین و چانه زنی» در بالا نیست، همان سیاست «آرامش فعال» و بی عملی های پیش از انتخابات ۱۸ خرداد نیست که منجر به دستگیری ده ها تن از شخصیت های اجتماعی- سیاسی شد. آیا تجربه چهار سال گذشته نشان نداده است که ادامه همان روش های امتحان شده، نمی تواند راه گشا باشد و به همان نتایج قبلی منجر گردد؟ نکته جالب تر در بررسی تحولات سیاسی کشور موضع گیری جناح ذوب در ولایت و وابستگان به آن در قبال چنین سیاست هایی است. روزنامه «انتخاب» در مطلبی با عنوان «فاز جدید رقابت های سیاسی ...» در بررسی تحولات آینده کشور می نویسد: «ناظران سیاسی پیش بینی می کنند احزاب و جناح های سیاسی پس از چهار سال مبارزات نفس گیر در حال ورود به فاز جدیدی

ادامه در صفحه ۶

با گذشت چند هفته از پیروزی بزرگ جنبش مردمی در انتخابات ۱۸ خرداد، کشمکش و چانه زنی آشکار و پنهان بر سر تشکیل کابینه جدید با شدت و حدت زیاد تری در بین جناح های حکومتی در جریان است. سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری، در روز شنبه ۲ تیرماه، در نخستین سخنرانی عمومی خود پس از انتخابات، برخی دیدگاه ها و نیز بخش هایی از اهداف و روش های دولت آینده خود را بازگو کرد. او که در جمع اعضای ستادهای انتخاباتی جبهه دوم خرداد در سراسر کشور سخن می گفت، با تأکید بر ادامه روند اصلاحات و اهمیت این روند و با ذکر اینکه خواست ها و مطالبات مردم ریشه دار و تاریخی است، از جمله یاد آور شد: «این مطالبات جدی است، اگر به خواسته ها و مطالبات مردم پاسخ داده نشود، مطمئن باشید دست بر نمی دارند و در صورت مایوس شدن، نظر آنها به خارج نظام متوجه خواهد شد.» خاتمی در ادامه افزود: «تنها راه نجات کشور برای کسانی که دلشان برای اسلام، انقلاب و کشور و ملت می سوزد این است که این واقعیت را غنیمت بشمارند و این امر راهی جز اهتمام به قانون و مردم سالاری و تن دادن به همه لوازم آن، رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط ندارد ...»

خاتمی در سخنرانی خود به کرات تأکید کرد: «باید هدف را گم نکنیم و مسیر اصلاحات را با اعتدال،

اجلاس احزاب کمونیست - کارگری جهان

تشدید فشارها ارتجاع بر آیت الله منتظری

شورای نگهبان طرح «جرم سیاسی» را رد کرد

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

شورای نگهبان طرح «جرم سیاسی» را رد کرد

هفته گذشته شورای نگهبان رژیم ولایت فقیه، طرح «جرم سیاسی» را که اخیراً مجلس از تصویب گذرانده بود، رد کرد. در اطلاعیه شورای نگهبان که به همین منظور انتشار یافت بسیاری از مواد این طرح خلاف شرع و مغایر اصول قانون اساسی شناخته شد. این انتظار که این طرح از تصویب شورای نگهبان نگذرد قابل پیش بینی بود اما اینکه چرا و به چه دلیل این مخالفت صورت می گیرد، سوی ظاهر فیزیکی های معمول همچون مخالفت با اصول قانون اساسی و جز اینها را شاید بتوان در سخنان سعید لیلار پیدا کرد. وی می گوید: «در قرن بیست و یکم دیگر کمتر حکومتی می تواند خجالت داشتن زندانی سیاسی را تحمل کند، به دلیل اینکه وجود زندانی سیاسی به معنای آن است که شما با آزادی اندیشیدن مخالف هستید و اندیشه ای غیر از اندیشه خود را بر نمی تابد. صفت «سیاسی» نشان می دهد که زندانیان مورد نظر اعمالی مرتکب شده اند که به نوعی اقتدار و مشروعیت حکومتی آنان را محسوس کرده، به مبارزه طلبیده است. بنابراین به رسمیت شناختن آنها به عنوان زندان سیاسی مستلزم تایید این نکته است» (نوروز، ۶ خرداد) مهرانگیز کار که مدتی را به جرم شرکت در کنفرانس برلین در زندان گذرانده است در مورد شرایط زندان می گوید: «هم بداند من عموماً معتاد به مواد مخدر و فحشا و جیب بری و... بودند. شب ها از خواب خبری نبود، شیشه ها را می شکستند، فحش های چارواداری می دادند و خودزنی می کردند. واضح و مسلم است که هم بند زندانی سیاسی یا مطبوعاتی با مجرمین خاص که بار اتهامات فحشا و اعتیاد... را به دوش می کشند جای حرف بسیار دارد و با ضوابط جهانی سازگار نیست، اما آخرین حرف را کجا باید برد.» (همانجا) احمد بورقانی، در مصاحبه ای با ایرنا، ۱۱ خرداد در باره این طرح اظهار داشته بود که، قانون جرایم سیاسی تا حدود زیادی محدوده فعالیت های سیاسی را روشن کرده و کمک می کند فعالیت های سیاسی در کشور هزینه سنگینی برای شخصیت های حقیقی و حقوقی نداشته باشد.

طرح و بالاخره تصویب لایحه جرم سیاسی توسط مجلس ششم با اینکه از مدت ها قبل در مورد آن سخن می رفت و بحث های گسترده ای را به همراه داشت اما در همه حال با مخالفت گسترده و مداوم ذوب شدگان در ولایت همراه می بود. تاکید تصویب کنندگان و کسانی که در این مورد ابراز نظر می کردند بر این مسایل استوار بود که باید تعریف مشخصی از مصادیق جرایم سیاسی به صورت قانون درآید و به دنبال آن مواردی همچون حق داشتن وکیل در تمامی مراحل رسیدگی، شامل بازجویی، بازپرسی و جلسات دادرسی تا صدور رای نهایی، محاکمه در یک دادگاه علنی با حضور هیئت منصفه، استفاده از امکانات بیشتر و متفاوت تر با زندانیان عادی، مجزا بودن محل نگهداری متهمان و محکومان سیاسی از متهمان و مجرمان عادی نیز مورد اشاره قرار گرفته بود.

روزنامه «نوروز» پنجشنبه ۷ تیر، در سرمقاله خویش در اشاره به این موضوع می نویسد: «در حالی که ۹۴ سال از تصویب متمم قانون اساسی مشروطه و ۲۲ سال از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی می گذرد، اما معمولاً علاقه ای به تعریف جرم سیاسی و مقررات آن در مورد هیئت منصفه و نحوه محاکمه و مانند اینها مشاهده نمی شود به این ترتیب حقیقتاً کسانی که با انگیزه های سیاسی مرتکب اعمالی شده و از سوی دستگاه قضایی تحت پیگرد قرار می گرفتند، نتوانستند از حقوقی که قانون اساسی در این زمینه تکلیف کرده است برخوردار شوند. آیا ۹۴ سال و ۲۲ سال برای تحقق یک اصل

تشدید فشارها ارتجاع بر آیت الله منتظری

به گزارش روزنامه «نوروز» شنبه ۹ تیرماه، مراسمی که با عنوان یادبود محمد منتظری فرزند آیت الله منتظری قرار بود در قم انجام گیرد برگزار نشد. معاون امنیتی استانداری قم، علت عدم برگزاری مراسم سالگرد را مداخله دادگاه تفتیش عقاید ویژه روحانیت اعلام کرد. بر اساس گزارشاتی دیگر درگیری هایی در همین رابطه بین مزدوران رژیم ولایت فقیه و تجمع کنندگان برای حضور در مراسم رخ داده که با ضرب و شتم شدید شرکت کنندگان توسط سروکوبگران همراه بوده است. حادثه اخیر بی ارتباط با تشدید فشارهای فزاینده بر آیت الله منتظری و هراس مرتجعان حاکم از تاثیر و میزان نفوذ او نمی تواند باشد. هفته گذشته تعداد زیادی از نمایندگان مجلس خواستار رفع محدودیت های اعمال شده نسبت به آیت الله منتظری گردیدند، که کنش های خشمگینانه ای را از طرف ذوب شدگان در ولایت به همراه داشت. شاهرخی به عنوان نماینده بلدختر در مجلس گفت: «یک روز عده ای با عنوان مبهم مجمع نمایندگان ادواری مجلس، ذلت و حقارت را بر صفحه کاغذ می نشانند و به نام ملت سر بر آستان قاتلان و جنایتکاران آمریکایی می ساینند و روز دیگر جماعتی، برای فردی مطرود و بی هویت که سال ها از مرگ سیاسی او می گذرد اشک تمساح می ریزند کسی که بیت او در پانزده سال گذشته، لانه مجرمان و تروریست هایی بوده که بسیاری از انسان های مومن و بی گناه، صرفاً به دلیل مخالفت با نظریات افراطی و خارجی نهروانی آنها، به طرز فجیعی به قتل رسیدند.» وی در جایی دیگر خطاب به کروبی گفت: «از حضرت آقای کروبی که عشق و ایمان عملی ایشان به امام و میراث او به روشنی آفتاب است انتظار داریم نگذارند ساحت مقدس مجلس، محل دفاع از کسانی باشد که خیانت آنان به آرمان های ملت بر کسی پوشیده نمی باشد می گویند رفع حصر شود.» (رسالت، ۷ تیر)

هفته گذشته فرزندان آیت الله منتظری با

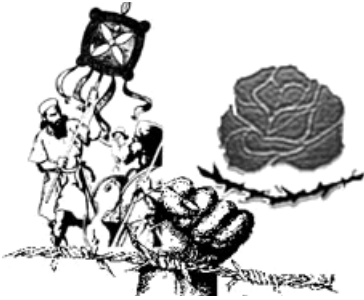
ساده و البته مهم حقوق اساسی ملت، مدت کمی است؟»

صرفنظر از بررسی یک به یک مواد این طرح و دلایل مخالفت شورای نگهبان با این طرح، موضوع بسیار مهمی که در اینجا باید مورد بررسی قرار گیرد این است که بر اساس مطرح شدن همین طرح در مجلس و مخالفت با تصویب آن، این موضوع به اثبات می رسد که لاقبل بعد از بیست و دو سال حکومت رژیم ولایت فقیه بر میهنمان حتی برای حفظ ظاهر هم قانونی در این باره اصلاً وجود نداشته است و این در حالی است که طی این ۲۲ سال هزاران نفر از مبارزان و نیروهای مترقی در پشت درب های بسته بی دادگاه های قرون وسطایی به محاکمه کشیده شدند و بسیاری از آنها به مسلخ مرگ فرستاده شدند. بسیاری از آنها تحت شدیدترین فشارها قرار گرفتند و در هیچ یک از مراحل دادرسی حتی حق استفاده از وکیل را هم

نتظری است. نفوذ گسترده آیت الله منتظری در بین توده ها مانع از این گردیده که روند حذف فیزیکی او به آسانی صورت گیرد. به همین دلیل فشارهای فزاینده و وحشیانه متوجه خانواده و طرفداران او شده است. حزب توده ایران همانطور که قبلاً و بارها اعلام داشته است باید با دفاع قاطع از حقوق شهروندی و دموکراتیک آیت الله منتظری و بسیج و سازماندهی در درون جامعه توطئه های ارتجاع بر ضد او را خنثی کرد.

امروز اگر به مدد جنبش مردمی رژیم ولایت فقیه و مزدورانش در قوه قضاییه مجبور هستند برای محاکمه دگر اندیشان حضور وکیل را بر خود تحمیل کنند اما در دوران سیاه گذشته چنین امری لاقبل برای زندانیان سیاسی از محالات بود. مخالفت گسترده با چنین طرحی بیش از اینکه اشکالات «قانونی» و یا مغایرت با قانون اساسی داشته باشد، نشان دهنده عزم راسخ نهادهای سروکوبگر رژیم بر تداوم و ادامه همان راه می باشد. وضعیت زندانیان سیاسی و فشارهای اعمال شده بر آنان در جریان و تحولات اخیر میهنمان این نکته را هم به اثبات می رساند که بدون چنین اقداماتی، پایه های لرزان حکومتشان هر چه سریع تر فرو می ریزد. چنین چالش ها و درگیری ها بین جنبش مردمی و نهادهای سروکوبگر رژیم ولایت فقیه، چنانچه امر سازمان دهی مورد توجه قرار گیرد، راه را برای طرد چنین ارگان هایی مهیا می سازد.

به استقبال شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران



وقایع نگاری یک سده جنبش کارگری و کمونیستی ایران

■ تیرماه ۱۳۲۲ - تشکیلات دموکراتیک زنان ایران فعالیت خود را آغاز کرد و در مدت زمانی کوتاه توانست هزاران زن را در سراسر کشور در مبارزه برای کسب حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خویش متشکل کند.

■ ۲۵ مهر ۱۳۲۲ - نمایش چهار هزار نفری حزب توده ایران به منظور افشای توطئه سید ضیا الدین طباطبایی

■ ۱۶ دی ۱۳۲۲ - درگذشت سلیمان محسن اسکندری، رجل صدر مشروطیت و از بنیادگزاران حزب توده ایران.

■ اسفند ۱۳۲۲ - آغاز فعالیت فراکسیون حزب توده ایران در مجلس شورا. اعضای فراکسیون حزب توده ایران شامل: ۱. دکتر رادمنش، از لاهیجان، ۲. ایرج اسکندری، از مازنداران، ۳. عبدالصمد کامبخش، از قزوین، ۴. اردشیر آوانسیان، از جانب ارامنه شمال (رضائیه)، ۵. دکتر فریدون کشاورز، از بندر پهلوی، ۶. پروین گنابادی، از سبزوار، ۷. تقی فداکار، از اصفهان، و ۸. شهاب فردوس بودند.

■ ۱۱ ادریبهشت ۱۳۲۳ - شورای متحدۀ مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران با شرکت چهار سازمان سندیکایی تأسیس شد و روزنامه «ظفر» به عنوان ارگان شورای متحدۀ مرکزی انتشار یافت. شورای متحدۀ مرکزی در همان آغاز ۵۰/۰۰۰ نفر عضو داشت و بزودی توانست بیش از ۹۰ درصد کارگران ایران را در صفوف خود متشکل کند.

■ ۱۰ مرداد ۱۳۲۳ - افتتاح نخستین کنگره حزب توده ایران. ۱۶۴ نفر در این کنگره شرکت داشتند. کنگره برنامه و اساتنامۀ حزب را تصویب کرد و در روز ۲۱ مرداد پس از ۱۱ روز فعالیت پر ثمر به کار خود پایان داد.

■ تابستان ۱۳۲۳ - به ابتکار حزب توده ایران و با دعوت حزب ما، جبهه یی از مدیران جرائد مترقی مرکز و شهرستان ها، نویسندگان و نمایندگان نیروها و گروه های مترقی، بنام «جبهه آزادی» تشکیل شد. ۴۴ روزنامه، یعنی نصف تمام جرائد منتشر در کشور بتدریج در این جبهه عضویت یافتند. هدف جبهه مبارزه بر ضد هرگونه سیاست استعماری و برقراری حکومت ملی بر اساس قانون اساسی بود.

■ مهر ۱۳۲۳ - تشکیل سازمان «اتحادیه دهقانان»، وابسته به حزب توده ایران در تهران. عمده ترین مواد مرامنامه این اتحادیه عبارت بود از مبارزه بر ضد رژیم ارباب - رعیتی، تقسیم بلاعوض زمین های خالصه، باز خرید و تقسیم بلاعوض زمین های اربابی. این اتحادیه در برخی شهرستانها دارای سازمان های وسیع بود.

ادامه در شماره بعدی «نامه مردم»

اطلاعیه کمیته هماهنگ کننده تحصن سلیمانیه

احزاب و سازمان های سیاسی آزادخواه، تشکل های انسان دوست! شخصیت ها و مردم با شرف و باوجدان!

ما پناهجویان و پناهندگان سیاسی ایرانی که سال های زیادی در احزاب سیاسی ایران علیه یکی از درنده ترین حکومت های این عصر مبارزه کرده ایم، بنا به دلایلی فعالیت بشیوه حزبی را ترک، منتهی به عنوان انسان های سیاسی و دارای مواضع انقلابی به فعالیت خود ادامه می دهیم. ما در عین حال برای تداوم زندگی و حفظ شخصیت مان، خود را به دفتر کمیساریای عالی پناهندگان معرفی و انتظار داریم که برای انتقال به کشوری سوم و امن ما را یاری دهند. اما بیشتر از دو سال است که اقدامات و فعالیت های دفاتر سازمان ملل در کردستان عراق کاهش و تا مرز تعطیلی پیش رفته است و این دفتر هیچ گامی جدی برای خروج ما از این زندگی دشوار و سختی که در آن قرار گرفته ایم برنداشته و هر روز بهانه ای، موانعی جدید بر سر راه انتقال ما پناهندگان و پناهجویان ایجاد می کند. به همین دلیل است که ما پناهندگان سیاسی ایرانی تحت مسئولیت دفتر کمیساریای سازمان ملل در سلیمانیه و اطراف در حمایت از تحصن پناهندگان اربیل که از تاریخ ۲۰۰۱/۶/۳ شروع شده است و همچنین در اعتراض به وضعیت دشوار خود، از روز شنبه ۲۰۰۱/۶/۲۳ در مقابل دفتر کمیساریای عالی پناهندگان در سلیمانیه دست به تحصن زده ایم. ما برای رسیدن به خواست ها و مطالبات مان به حمایت های مادی و معنوی شما نیازمندیم. همکاری و پشتیبانی شما نشانه انقلابی بودن و احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت انسانی ماست. حزب توده ایران همه نیروهای مترقی و انسان دوست را به یاری پناهجویان ایرانی در سلیمانیه و تشدید فشار بر روی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل برای رسیدگی فوری به تقاضای پناهجویان ایرانی فرا می خواند.

بیماری ایدز و رژیم «ولایت فقیه»

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران- ایرنا، روز ۵ تیر ماه در گزارشی نوشت که بزرگترین کنفرانس جهانی ایدز، با سخنان کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل در مجمع عمومی این سازمان در نیویورک گشایش یافت. عنان در سخنرانی خود تأکید کرد، راه مقابله با ایدز قضاوت و یا رویگردانی از حقایق ناخوشایند نیست. وی تأکید کرد مبتلایان به این بیماری را نباید لکه ننگی به شمار آورد و آنها را مقصر دانست. در حال حاضر ۳۶ میلیون نفر در جهان مبتلا به ایدز هستند. در این اجلاس هیئتی از جمهوری اسلامی ایران نیز شرکت کرده است.

در حالی که آمار وحشتناک مبتلایان به ایدز توجه محافل بین المللی را هر روز نسبت به گذشته بیشتر به این مسأله معطوف می کند، برخورد رژیم ولایت فقیه با این مسأله نه تنها غیر واقع بینانه بلکه در آینده اثرات مخرب را نیز بر جامعه ایران بر جای خواهد گذاشت. این به دلیل وجود تفکرات ارتجاعی حاکم با پدیده های خطرناک اجتماعی همچون ایدز نزد مقامات عالی رتبه رژیم است. رژیم ولایت فقیه می خواست اینطور وانمود سازد که در ایران مشکلی به نام ایدز وجود ندارد و این مسأله ناشی از وجود حاکمیت اسلامی و باورهای مذهبی نزد مردم می باشد و همین مسأله خطرات بالقوه ای را در جامعه ایجاد کرده است. روزنامه «حیات نو، یکشنبه ۱۰ تیر، از قول امیرحسین برمکی می نویسد: «در ایران هیچ آمار قابل استنادی راجع به بیماران ایدز وجود ندارد. موسسات خارجی تعداد را ۱۰۰ هزار نفر و دولت ایران تعداد را حدود ۲ هزار نفر اعلام کرده اند. در هر صورت این آمار حتی ۱۰ هزار نفر نسبت به جمعیت کشور ایران بسیار بالا است و این مهم است و این مسأله به علت عدم اطلاع رسانی درست است.» خبرگزاری ایسنا، ۹ آذر ۷۹ از قول دکتر محرز، استاد علوم پزشکی تهران، آماری فاجعه آمیز تر ارائه می دهد و می نویسد: «طبق آمارهای رسمی ۲۲۰۷ نفر بیمار ایدز در کشورمان زندگی می کنند، در حالی که پیش بینی می شود این رقم بیش از ۲۰ تا ۳۰ هزار نفر که شناسایی نشده اند، باشد.» محمد فرهادی، وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی، بیماری ایدز را به بعب ساعتی تشبیه کرد و گفت، در ایران نیز بعب ساعتی در حال کار کردن است و باید آن را جدی گرفت. (ایرنا، ۶ آذر ۷۹)

رژیم ولایت فقیه نه تنها در مورد پیشگیری ها و آموزش های لازم در این مورد کوتاهی ورزید بلکه با القای این مسأله که انتقال این بیماری تنها از طریق روابط جنسی رشد و گسترش می یابد عملاً جمعیتی عظیم را در برابر خطرات این بیماری مهلک بی دفاع ساخت. رشد و گسترش این بیماری خطرناک در جامعه و فضای نسبتاً آزاد بعد از دوم خرداد ۷۶ و اظهار نظرات دست اندرکاران و مطلعان، نشان داد بر خلاف گفته های قبلی، این بیماری در ابعاد بسیار وسیع و از طرق گوناگون در جامعه رو به گسترش گذاشته است. کمیته کشوری مبارزه با ایدز، اعلام کرد، انتقال ایدز از طریق اشتراک در سرنگ و سوزن معتادان تزریقی در جهان ۱۲ درصد و در ایران ۶۵ درصد آلوده شدگان را تشکیل می دهد. (ایرنا، ۲۴ آبان ۷۹) حتی اگر استناد به گفته های مقامات رژیم هم مورد توجه قرار گیرد و بیماری ایدز را مختص به روابط جنسی سازیم، واقعیت ها و اعترافات موجود نشان می دهد که رشد آگاهی دادن به مردم یا به کندی صورت گرفته و یا اصلاً صورت نگرفته است و این موضوع وقتی اهمیت پیدا می کند که راه مقابله با این بیماری، پیشگیری و دادن آگاهی های لازم است و در تمامی جهان به عنوان یک راه کار موثر شناخته شده است. «جمعی از رابطین بهداشتی در غرب مازندران می گویند، با وجود مسری بودن ویروس ایدز، راه های پیشگیری از این بیماری در مناطق شهری و روستایی این منطقه زیاد جدی گرفته نمی شود. آنان افزودند، بعضی از رابطین بهداشتی که کم سواد هستند، به دلیل ضعف آموزش های بهداشتی و بکارگیری افتخاری آنان، دقت و انگیزه های لازم را برای انتقال آموزش های مراقبتی به خانواده ها ندارند.» (ایرنا، ۳ دی ماه ۷۹) معاون بهداشت و درمان استان قزوین با اشاره به عدم

آزادی برای همه

زندانیان سیاسی ایران!

ادامه جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان ...

ابراز خشم نسبت به وضعیت فلاکت بار خویش و بی توجهی عمدی مسئولان ضد کارگری رژیم نسبت به خواسته های خویش، به یک پیروزی نسبی دست پیدا کردند. ابوالقاسم سرحدی زاده نماینده تهران در مجلس با حضور در بین کارگران چند روز مهلت خواست تا به مشکلات آنان رسیدگی شود. به گزارش ایرنا، ۲۳ خرداد، به گفته سرحدی زاده، اگر مدیران این کارخانه ها بتوانند مشکلات کارگران و کارخانه ها را حل کنند، به کار خود ادامه خواهند داد و در غیر این صورت مدیران دولتی جایگزین آنان خواهد شد. در این تجمع اعتراضی ۶۰۰ نفر از کارگران کارخانه چیت ری و ۴۷۵ نفر از کارگران کفش شادان پور با پیوستن به همدیگر یک تجمع اعتراضی یا نتایجی کاملاً مثبت و ملموس را برگزار کردند. باید امیدوار بود که کارگران آگاه و مبارز با توسل به چنین شیوه هایی، علاوه بر احقاق حقوق خود زمینه های لازم برای ایجاد سازمان های متشکل کارگری را از درون چنین اقداماتی به نفع خود به مرحله اجرا در آورند. تحول مزبور در طول چندین سال تظاهرات کارگری برای اولین بار بود که اتفاق می افتاد، و همین امر نوید روزهای روشنی را برای کارگران در بر خواهد داشت.

حرکت های اعتراضی و اعتصابات همچنان ادامه دارد

در اولین روزهای فروردین ماه، کارگران کارخانه ایران پویا در اعتراض به عدم پرداخت حقوق های عقب افتاده و توطئه مدیریت کارخانه، دست به اعتصاب زدند. مدیریت، علاوه بر خودداری از پرداخت حقوق کارگران، در تبانی با عوامل ذینفوذ، زمین مرغوب واقع در مجاورت میدان پونک را که برای احداث مسکن به کارگران داده شده بود، از دست آنان بیرون کشیده و به نیروی هوایی واگذار کرده است. به گزارش کیهان، ۲۰ فروردین، کارگران شرکت کفش شادان پور نیز، در اعتراض به عدم دریافت ۹ ماه حقوق و مزایای خود در مقابل ساختمان این شرکت در خیابان مهرآباد- جاده قدیم کرج تجمع اعتراضی بر پا کردند. ۴۰۰ کارگر این کارخانه با مسدود کردن خیابان عبور و مرور و مسایط نقلیه را مختل ساختند. بنا بر همین گزارش، کارکنان زحمتکش سازمان های اتوبوس رانی و بازیافت خرم آباد، با تجمع در مقابل استانداری، خواستار حقوق و مزایای عقب افتاده خود گردیدند. به گزارش روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۱ فروردین، کارگران دانشگاه علوم پزشکی خراسان در پی تصمیم این دانشگاه مبنی بر واگذاری این پرسنل به بخش خصوصی در مقابل دانشگاه علوم پزشکی مشهد تجمع اعتراضی برپا کردند. هر چند معاون دانشگاه علوم پزشکی مشهد بحث اخراج کارگران را بی مورد می داند اما کارگران بنا بر تجربیات گذشته نگران آینده کاری خویش می باشند. به گزارش ایسنا، ۲۱ فروردین، کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در اعتراض به کسر یک روز حقوق اسفند ماه خود در مقابل ساختمان حزب اسلامی رفاه کارگران تجمع کردند. یک روز حقوق بیش از ۱۰ هزار نفر از کارکنان این شرکت بدون اجازه آنها و با تبانی علیبرضا محجوب به حساب خانه کارگر اربیز گردید تا به دیگر کارگران اخراجی به اصطلاح کمک شود.

به گزارش ایرنا، ۲۲ فروردین، ۴۰۰ کارگر کارخانه پارچه بافی فرصتیان شیراز در اعتراض به تعطیلی کارخانه، حقوق معوقه و دیگر خواست های صنفی دست به تجمع اعتراضی زدند. روزنامه کیهان، ۲۷ فروردین گزارش داد که پرسنل شرکت هیکو فروشنده دستگاه های سنگین راهسازی که دارای نمایندگی مختلف در شهرهای اهواز، ایلام، لرستان، بوشهر، کهگیلویه و بویر احمد است، خواستار فعالیت مجدد این شرکت شدند. از نیمه دوم سال گذشته به تدریج و به بهانه های مختلف علاوه بر قطع حقوق و مزایای کارکنان این شرکت کلیه قطعات موجود در انبارها را نیز خارج ساختند و در ایام بعد از تعطیلات نروزی کارگران با درهای بسته شرکت مواجه گردیدند.

در همین ماه، اعتراض یکپارچه کارکنان صنایع پتروشیمی بندر شاپور در اعتراض به خصوصی سازی این صنعت استراتژیک بازتاب گسترده داشت. طی همین ماه گروهی از کارگران شهرداری تهران در اعتراض به سطح پایین دستمزدها و پامبال شدن امنیت شغلی شان، در مقابل ساختمان اصلی شهرداری تهران واقع در خیابان بهشت، دست به گردهمایی زدند.

به گزارش ایسنا، ۵ اردیبهشت، کارکنان شرکت صنایع پلاستیک شمال در سلسله تجمعات اعتراضی که تا اردیبهشت به مدت دو هفته همچنان ادامه داشته خواستار بازگشایی شرکت شدند. ۶۶ نفر از کارگران این شرکت با سوابق کاری ۱۸ تا ۲۴ سال بعد از تعطیلات نروزی با حکم اخراج مواجه گردیدند.

همچنین در ۵ اردیبهشت ماه، کارگران کارخانه پارچه بافی کاشان دست از کار کشیده و تظاهرات آرامی را سازمان دادند. پرداخت به موقع دستمزدها، تامین امنیت شغلی و جلوگیری از تعطیل کارخانه از خواست های این کارگران عنوان گردید. در اوایل اردیبهشت ماه تعدادی از رانندگان تاکسی شهر مراغه در اعتراض به افزایش بهای سوخت و فشارهای متعدد نهادهای دولتی به خود، با برپایی اعتصابی در برابر شهرداری مراغه خصمن نمودند. این حرکت رانندگان زحمتکش با دخالت نیروهای انتظامی و بسیج خاتمه پیدا کرد.

به گزارش روزنامه کیهان در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه، کارگران کارخانه های

نساجی اصفهان در مراسمی که به مناسبت اول ماه مه برپا شده بود، بر خلاف برنامه و تمایل ارگان های زرد و ارتجاعی نظیر خانه کارگر و شوراهای اسلامی، پلاکاردهایی را به نمایش درآوردند که در آنها بر حقوق حقه شان تأکید می شد. این کارگران سپس به طور دسته جمعی سالن مراسم فرمایشی را ترک کرده و در خیابان های شهر اصفهان به راه پیمایی پرداختند.

اندکی بعد از این اقدام تحسین برانگیز، در روز ۱۷ اردیبهشت ماه بیش از ۱۵۰۰ کارگر کارخانجات بارش و بافت ناز اصفهان در اعتراض به وضعیت وخیم خود و خانواده هایشان دست به تظاهراتی در سطح شهر اصفهان زدند. این تظاهرات با حمله وحشیانه یگان های ضد شورش نیروی انتظامی و واحدهای بسیج و ماموران وزارت اطلاعات روبرو شد. ۵۰ نفر از کارگران به نام فعالین دستگیر شده و تعدادی نیز مجروح و روانه بیمارستان ها شدند. کانون عالی شوراهای اسلامی کار این ارگان در خدمت رژیم ولایت فقیه، به منظور فریب کارگران و مهار جنبش و نیز در هراس از پیامدهای حمله نیروهای انتظامی و اوپاش بسیجی به کارگران، با صدور بیانیه ای یورش نیروهای امنیتی و پلیس را «غیر منطقی و حساسیت برانگیز» خواند. روزنامه کیهان سخنگوی ارتجاع هار، در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ماه با تأیید سرکوب کارگران و خط و نشان کشیدن برای زحمتکشان، تظاهرات اصفهان را «تجمع غیر قانونی» خوانده و نیروهای امنیتی را فراخواند تا با هرگونه تجمع غیرقانونی با قدرت و شدت برخورد کنند.

روزنامه کیهان، ۱۶ اردیبهشت خبر داد که ۱۳۰۰ نفر از کارکنان صنایع دفاع در اصفهان از کار اخراج گردیده اند. پالایشگاه شازند اراک نیز در اردیبهشت ماه شاهد اعتصاب تعدادی از رانندگان کامیون ها بود. رانندگان زحمتکش نسبت به شرایط ناگوار شغلی، دستمزد پایین و رفتار توهین آمیز مسئولان وزارت نفت به مدت چند ساعت دست از کار کشیدند. ایسنا، ۲۸ اردیبهشت، خبر از تجمع اعتراضی کارگران شرکت کامراد قم در مقابل استانداری قم داد. کارگران خواستار دریافت حقوق های عقب افتاده خویش گردیدند. به گزارش ایرنا، ششم خرداد، کارگران کارخانه چیت ری با تجمع در مقابل ساختمان بنیاد غارت و چپاول یعنی بنیاد به اصطلاح مستضعفان خواستار رفع مشکلات این کارخانه شدند. مشکلات به وجود آمده هنگامی بروز پیدا کرد که این کارخانه به بخش خصوصی واگذار گردید. در همین روز تعدادی از کارمندان و کارگران با سابقه دانشگاه اصفهان، در پی عدم پرداخت حقوق ۲ ماهه خود، در مقابل ساختمان مرکزی این دانشگاه تجمع کردند. معاون اداری و مالی این دانشگاه با حضور در بین اعتراض کنندگان از آنان خواست که فهرست کسانی که آنان را تشویق به تجمع کرده اند، اعلام نمایند تا با آنها برخورد قاطع صورت گیرد. به گزارش ایسنا، ۹ خرداد، کارگران کارخانه تیران جیکا رشت در یک اقدام با بستن خیابان مقابل استانداری گیلان خواستار بازگشایی این کارخانه گردیدند. کارگران گفتند که بعد از واگذاری کارخانه به مالکین جدید، کارخانه بسته شد و نزدیک به یکسال است که هیچ گونه حقوق و مزایایی دریافت نکرده اند. اکثر کارگران زحمتکش این کارخانه را زنان تشکیل می دهند. علت چنین اقدامی از سوی کارگران بی توجهی مسئولان به خواسته های برحقشان عنوان گردید.

این گونه اعتراض های بزرگ و کوچک در سراسر کشور جریان دارد. نکته با اهمیت و قابل توجه در این جنبش اعتراضی طرح خواست جلوگیری از رکود و تعطیلی کارخانه ها در مخالفت با ورود بی رویه کالاها و محصولات خارجی است که تولید ملی را در آستانه سقوط نهایی قرار داده است. کارگران صنایع فولاد و صنایع نساجی و کفش و کارگران کارخانه های تولید کننده لوازم خانگی همگی در این خواست مشترک بسیار فعال بوده و حول آن مبارزات اعتصابی سازماندهی می شود.

این امر هوشیاری و درک و آگاهی ژرف طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را به نمایش می گذارد. این خواست هم یک مطالبه صنفی و رفاهی است که تامین امنیت شغلی زحمتکشان با آن پیوند دارد و هم یک خواست سیاسی است که در بطن خود حمایت از تولید ملی را در برابر موج ویرانگر نفوذ سرمایه جهانی به کشور به همراه دارد. این خواست البته محدود به منافع طبقه کارگر نیست. بخش بزرگی از لایه های میانی جامعه نیز از نفوذ سرمایه خارجی و سلطه سیاه سرمایه داری تجاری و دموکراتیک زیان می بیند. سرمایه داری ملی نیز با نوسانات معین تا حدی مخالف این وضعیت می باشد. طرح این خواست توسط طبقه کارگر می تواند تمامی نیروهای جنبش مردمی را در لحظه حاضر در مقابله با ارتجاع و استبداد بسیج کند و یک اقدام راه گشایانه در مقطع کنونی برای نیل به آزادی و عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه باشد. ژرفش جنبش در ماه های آینده وظایف بس خطیری را برای فعالین سیاسی، احزاب و سازمان های آزادی خواه و انقلابی بویژه نیروهای مدافع منافع زحمتکشان در دستور کار قرار می دهد. سازماندهی مبارزات کارگران و زحمتکشان یکی از این وظایف خطیر قلمداد می شود. مسأله اساسی پیوند مبارزات پراکنده کارگری با یکدیگر، گسترش همبستگی کارگری، همچنان که در اعتصاب کارگران چیت ری رخ داد و نزدیک تر کردن مبارزات کارگری با جنبش عمومی خلق بر ضد رژیم «ولایت فقیه» است. جنبش کارگری در صورت سازمان یافتگی و برنامه مبارزاتی سیاسی - صنفی می توان نقش قاطع و تعیین کننده بی بروریدادهای کشور داشته باشد.

ادامهٔ سرود خوانان آزادی ...

را تدارک می بیند. یک روز پیش از تصویب این طرح، روزنامه «سلام» افشا کرده بود که اساس طرح و اصلاح قانون مطبوعات در وزارت اطلاعات رژیم توسط سعید امامی، از عاملان کشتار دگراندیشان و یار غار فلاحيان، وزیر اسبق اطلاعات، برنامه ریزی شده بود.

آغاز پیکار: شش روز مبارزه دانشجویان

۱۷ تیرماه ۱۳۷۸ ساعت ۱۰ شب، تظاهرات مسالمت آمیز دانشجویان در خوابگاه کوی دانشگاه و خیابان های اطراف، برای اعتراض به لایحه «اصلاح قانون مطبوعات» و توقیف روزنامه «سلام»، با هجوم ددمنشانه انصار حزب الله که پشت گارد ضد شورش نیروهای انتظامی پنهان شده بودند، مواجه شد. سپیده دم جمعه ۱۸ تیرماه، لباس شخصی ها یا به سخن بهتر، مزدوران حرفه ای ولایت فقیه و به دنبال آنها، نیروهای انتظامی و انصار حزب الله که زیر نظر مستقیم «مقام رهبری» عمل می کنند، بدون داشتن اجازه، به کوی دانشگاه تهران، هجوم آوردند. حاصل این ایلغار ضد انسانی: شکستن در اتاق ها، تخریب و انهدام لوازم شخصی دانشجویان و وسایل عمومی دانشگاه، آتش زدن اتاق ها، شلیک گلوله، پرتاب کردن دانشجویان از پنجره اتاق ها، ضرب و شتم دانشجویان، سوزاندن کتاب ها، آتش زدن عکس های خاتمی و شریعتی و دستگیری تعداد زیادی از دانشجویان.

شنبه، یکشنبه و دوشنبه ۱۹، ۲۰ و ۲۱ تیر، قیام دانشجویی ادامه یافت. تحصن اعتراض آمیز دانشجویان در مقابل دانشگاه تهران، تحصن در مقابل کوی دانشگاه تهران، حرکت به سوی وزارت کشور و نهاد ریاست جمهوری، گسترش اعتراض دانشجویی در دیگر شهرهای ایران و تحصن دانشجویان دانشگاه تبریز و علوم پزشکی در اعتراض به وقایع خونین تهران، در درون دانشگاه (یکشنبه شب، ۲۰ تیرماه). این تحصن با یورش نیروهای امنیتی و انصار «ولایت فقیه»، وزارت اطلاعات، سپاه و بسیج روبرو شد. دانشجویان به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. مزدوران «ولی فقیه» در تعقیب دانشجویان، وارد بیمارستان خمینی شدند و دانشجویان زخمی را با خود بردند! روز بعد دانشجویان در اعتراض به این جنایات، به خیابان آمدند! روز دوشنبه ۲۱ تیرماه، «ولی فقیه» اشک تمساح از دیدگان فرو ریخت و گفت: «حادثه تلخ حمله به خوابگاه جوانان و دانشجویان، قلب مرا جریحه دار کرد.» جمعیت مولفه: اسلامی، دانشجویان را «دانش نما» توصیف کرد. (همشهری، ۲۲ تیر)، حدود ظهر تعداد زیادی از دانشجویان از دانشگاه تهران بیرون آمدند و رهسپار میدان ولی عصر شدند. تظاهرات تا پاسی از شب در خیابان های اطراف دانشگاه تا میدان آزادی ادامه یافت.

اسم رمز!

سه شنبه، ۲۲ تیرماه: شعارهای خشم آلود دانشجویان مبارز در خیابان های اطراف دانشگاه طنین افکند. گرمگان حکومتی و لباس شخصی ها، مجهز به دست بند، باتوم و اسلحه کبری، در پناه ماموران تا بن دندان مسلح، به دانشجویان و مردمی که در خیابان بودند هجوم آوردند و به غارت و آتش زدن مغازه ها و ماشین ها پرداختند تا بهانه برای انجام شبه کودتای خود به دست آورند. اسم رمز مزدوران «ولایت فقیه» برای سرکوب قیام دانشجویی، دگر اندیشان و آزادی خواهان عبارت بود از: «برخورد قاطع با ضد انقلاب و اراذل و اوباش» آغاز هجوم شبانه خفاشان مسلح به مسلسل: یورش به خانه های دانشجویان و نیروهای مترقی، توطئه شوم ارتجاع که از زمان انتخابات ۲ خرداد ۷۶ طرح ریزی شده بود، آغاز شد. صدها نفر دستگیر، چشم بند به چشم، روانه شکنجه گاه های پنهانی می شوند! شبه نظامیان در حالی که مجهز به سنگ و چوب و چماق و قمه هستند در حمله به دانشجویان معترض، پلیس را کمک می کنند. دانشجویان هم در بیشتر موارد چاره ای جز پناه بردن به خوابگاه یا ساختمان های دانشگاه ندارند. برخی از آنها نیز به خانه های مجاور پناه می برند.

دو سال پس از این جنایت هولناک رژیم، هنوز حتی یکی از فرماندهان عالی رتبه انتظامی و مهمتر از آن، تحریک کنندگان این قتل ها و خونریزی ها، به پای میز محاکمه کشانده نشده اند و به جای آن، صدها دانشجوی آزادی خواه و دیگر مبارزان عدالت خواه به جرم «قیام بر ضد امنیت ملی» به زندان های دراز مدت محکوم می شوند!

قیام ۱۸ تیرماه ۷۸، نشان داد که جنبش دانشجویی، به عنوان یکی از گردان های اجتماعی مهم شرکت کننده در جنبش اصلاح طلبی و آزادی خواهی میهن مان، مبارزاتش از حالت صنفی به حالت سیاسی و در پیوند با جنبش عمومی خلق، ارتقاء یافته است. همچنین، شکست خیزش، آموخت که بدون رهبری منسجم، برنامه و سازمان دهی، و بدون حمایت مردمی، خصوصاً کارگران و زحمتکشان نمی توان استبداد هار و تا بن دندان مسلح «رژیم ولایت فقیه» را در هم شکست.

بر خلاف تصور ارتجاع حاکم، سرکوب خونین ۱۸ تیرماه ۷۸، نه تنها نتوانست جنبش دانشجویی را مرعوب و از صحنه خارج کند، بلکه نیروی محرکه بی شد، برای گسترش و تشدید مبارزه. شرکت فعال جنبش دانشجویی در انتخابات ۲۹ بهمن ماه ۷۸ مجلس شورا، و انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۰ نشان داد که نقشه های ارتجاع در زمینه سرکوب دانشجویان در ۱۸ تیرماه ۷۸، با شکست کامل روبرو شده است.

گرامی داشت ۱۸ تیرماه، گرامی داشت مبارزه در راه آزادی و اصلاحات در میهن استبداد زده ماست و توده ای ها، در کنار دانشجویان و جوانان و مردم میهن مان این روز تاریخی را گرامی می دارند.

پیروز باد اتحاد و پیوند استوار دانشجویان با تمامی مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی!
 ننگ و نفرت بر ارتجاع حاکم و مزدورانش و پاسداران تاریک اندیشی و استبداد!
 پیروز باد مبارزه خلق برای آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

سرافراز باد درفش سرخ

زحمتکشان

گزارشی از سوئد



جویارهایی از شور و نشاط و جوانی با قلب هایی گرم از آزادی خواهی و عدالت جویی و عشق به زحمتکشان و برقی در نگاه، با درفشی سرخ در دست، از سراسر جهان، به سوی گوتنبرگ سرازیر می شوند. از کانادا، آمریکا، بریتانیا، آلمان، فرانسه، روسیه، لهستان، مجارستان، بلژیک، ایرلند، فنلاند، دانمارک، نروژ، هلند، ایتالیا و اسپانیا به جویبار دهها ملیت ساکن سوئد از اروگوئه، پرو، شیلی، السالوادور، ایران، افغانستان، عراق، فلسطین، کلمبیا و کوبا می پیوندند و شط خروشان را در اعتراض به حاکمیت سرمایه داری جهانی پدید می آورند.

در اعتراض به سیاست های انحصارهای امپریالیستی، آمریکا و اتحادیه اروپا، در اعتراض به سیاست های نو لیبرالی اتحادیه اروپا در عرصه های مختلف، در اعتراض به میلیتاریسم ناتو، در اعتراض به نژاد پرستی و تبدیل اروپا به قلعه بی غیر قابل نفوذ و در حمایت از پیکار دلاوران خلق فلسطین و همبستگی با خلق کوبا و پشتیبانی و حمایت از مبارزات ضد امپریالیستی و آزادی خواهانه خلق ها برای دموکراسی، عدالت، حفظ محیط زیست، صلح و همبستگی جهانی، سه تظاهرات بزرگ از سوی دهها حزب مترقی و انقلابی، اتحادیه و سندیکاهای کارگری از جمله حزب تودهٔ ایران، واحد سوئد، سازماندهی و برگزار شد. در سه تظاهرات انجام شده، در مجموع نزدیک به ۷۰ هزار نفر خشم خود را بر ضد سیاست های «جهانی شدن» و امپریالیسم جهانی ابراز داشتند. در ضمن، به موازات برگزاری این اجلاس، سمینارهای بین المللی در روزهای نهم تا هفدهم ژوئن در شهر گوتنبرگ برگزار شد که مورد استقبال دهها هزار نفر قرار گرفت.

دولت سوئد هراسناک از خشم توده ها با پرداخت ۹۰ میلیون کرون هزینه فوق العاده به پلیس، و از طریق بستن مرزها و جلوگیری از ورود کسانی که قصد شرکت در تظاهرات را داشتند، دستگیری نزدیک به هزار نفر و زخمی کردن صدها تن و از همه مهمتر تلاش در سانسور رسمی اخبار مربوط به تظاهرات تلاش کرد تا با این حرکت وسیع مردمی برخورد کند. شرکت فعال اعضا و هواداران حزب تودهٔ ایران در این حرکت با استقبال گرم نیروهای مترقی سوئد روبه رو شد.

ما برگزاری این تظاهرات توده ای و اقدام های جانبی آن را گام مثبتی در جهت تداوم مبارزه بر ضد سرمایه داری جهانی و در جهت تقویت همبستگی نیروهای مردمی ارزیابی می کنیم.

ادامهٔ آزموده را آزمودن خطاست ...

می باشند. آنها تأکید می کنند که به رغم موفقیت های بی شمار خاتمی در چهار سال گذشته هزینه های پرداخت شده برای اصلاحات فراگیر در ایران بیشتر از حد متعارف بوده است. شورش های کور خیابانی، زندانی شدن برخی روزنامه نگاران و سیاستمداران معترض به توقیف مطبوعات ... از جمله هزینه هایی بوده است که اصلاح طلبان در چهار سال گذشته پرداخت کرده اند. اکنون بسیاری از اصلاح طلبان نیز اذعان دارند که به سبب تند روی های سیاسی که محصول تجدید جدیدی در صحنه سیاسی کشور بوده است، حرکت جنبش اصلاحات در ایران با موانع مختلفی روبرو شده ... جناح های سیاسی در چهار سال آینده افراطیون خود را به حاشیه رانده و فضای جدیدی مبتنی بر عقلانیت سیاسی و تعامل سازنده جناحی در کشور ایجاد خواهند کرد. « روزنامه کیهان نیز از زبان شکنجه گران رژیم «ولایت فقیه» به تأیید سیاست اعتدال و تعادل پرداخته و آن را «عالمانه و دلسوزانه» می نامد و امیر محیبیان از مجیز گوینان ارتجاع با تأیید استراتژی و تاکتیک «اعتدال و تعادل» می نویسد: « اگر در گذشته تکیه اصلی جناح دولتی برای گستردن یک گفتمان با روزنامه نگاران بود، در دور دوم، یعنی چهار سال آینده، اهل سیاست و مسئولان جناح ها این گوی را از روزنامه نگاران خواهند ربود...»

نکته دیگر اینکه سیاست «اعتدال و تعادل» در شکل مطرح شده کنونی نصیحت گونه اش، روشن نمی کند که دولت آقای خاتمی در چهار سال آینده با این همه معضلاتی که پیش روی جامعه ما قرار دارد چگونه می خواهد برخورد کند. طرح این شعارها هم به هیچ وجه تازگی ندارد رفسنجانی نیز پس از شکست سنگین ارتجاع در دوم خرداد ۱۳۷۶، جناح های حکومتی را به اعتدال و تعادل فرا می خواند و نظرش این بود که مسایل را باید پشت پرده و در ریزنی های پنهان از مردم حل کرد. مردم که با حضور شکوهمند خود در ۱۸ خرداد بار دیگر به امید تحقق آرمان های خود در راه استقرار آزادی و عدالت اجتماعی به پای صندوق های رأی رفتند حق دارند بپرسند که، با چه خوش بینی باید به آزمودن آزموده ها چشم امید ببندند. مردم حق دارند بپرسند که آقای خاتمی با ادامه همان سیاست های مماشات طلبانه و ضعیف گذشته چگونه می خواهد آزادی زندانیان سیاسی را تأمین کند چگونه می خواهد مطبوعات تعطیل شده را از محاق سانسور قوه قضائیه رژیم خلاص سازد؟ سیاست «اعتدال و تعادل» چگونه قرار است صدها دانشجوی مبارزی را که همچنان در چنگال دژخیمان و شکنجه گران اسیرند رها کند و مهمتر از همه اینکه با ادامه حاکمیت «آقازاده» ها و وابستگان به «ولایت» تلاش به سمت حرکت به سوی تحقق عدالت در جامعه ما چگونه قرار است صورت گیرد. دوران موعظه و نصیحت به پایان رسیده است مردم خواستار تحقق آرمان هایی اند که این همه در راه آن فداکاری کرده اند. ادامه سیاست های مماشات طلبانه و تسلیم طلبانه چهار سال گذشته ثمری جز تسلیم شدن در برابر خواست های ارتجاع مبنی بر حفظ رژیم استبداد ندارد و این با خواست میلیون ها ایرانی در تضاد آشکار قرار دارد.

حزب تودهٔ ایران، همواره بر این مهم تأکید ورزیده است که، جنبش مردمی، به دلایل متعدد عینی و ذهنی، و مجموعه روندهای داخلی و خارجی دچار ضعف های جدی است و به زمان برای رشد و قوام خود احتیاج دارد. ما ضمن مردود دانستن هرگونه سیاست ماجراجویانه و غیر واقع بینانه که محاسبات ظریف ناشی از آرایش طبقاتی جامعه ایران در لحظه کنونی را نادیده می گیرد، مخالفت خود را با ادامه سیاست های تسلیم طلبانه چهار سال گذشته که در انتها ثمرش به جیب مرتجعان تاریک اندیش و «ذوب شدگان در ولایت» می رود، اعلام می کنیم. مبارزه در راه تحقق خواست های تاریخی مردم ایران، کارگران، زحمتکشان، دانشجویان، جوانان و زنان را که نیروهای اجتماعی و موتور محرک اساسی اصلاحات در میهن ما هستند نمی توان با موعظه و نصیحت به پیش برد.

ارزیابی ارتجاع از اوضاع کنونی جامعه چنین است که می توان، در صورتی که حرکت جدی، از سوی اصلاح طلبان حکومتی و جنبش مردمی بر ضد مواضع آنها صورت نگیرد، این چهار سال را نیز طی کرد و سپس در انتخابات ۸۴، در نبود خاتمی، و با استفاده از همان امکان های «قانونی» راه را برای بازگشت رفسنجانی ها و یا افراد مشابهی باز کرد. این خواست را نیز فقط می توان با خاموش ساختن و مایوس کردن جنبش مردمی به کرسی نشانند. حزب تودهٔ ایران معتقد است که کامیابی در مبارزه بر ضد ارتجاع و نبرد برای درهم شکستن سد ولایت فقیه در گرو گسترش و ژرفش جنبش مردمی و پیوند تنگاتنگ مبارزات نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات و طرفداران تحولات بنیادین با همدیگر است. فقط با سازمان دهی جنبش مردمی و تشکیل یک جبهه واحد ضد استبداد است که می توان از فرصت تاریخی بدست آمده بهره جست و ارتجاع را به عقب نشینی در برابر خواست های جنبش وادار کرد.

ادامهٔ اجلاس احزاب کارگری و کمونیستی ...

در جنبش سندیکایی، «جهانی شدن» و لزوم مبارزه هماهنگ بین المللی بر ضد تهاجم سرمایه داری مطرح کرد. هیئت نمایندگی حزب توده ایران همچنین جلسات متعددی را در رابطه با توسعه روابط برادرانه و متقابل با احزاب برادر حاضر در جنب اجلاس برگزار کرد. در خلال اجلاس به پیشنهاد نماینده حزب توده ایران تدوین و تصویب یک قطعنامه ویژه در رابطه با مبارزه مردم فلسطین در دستور کار اجلاس قرار گرفت. به پیشنهاد هیئت رئیسه اجلاس، هیئت نمایندگی حزب مان مسئولیت تهیه بیانیه را به عهده گرفت. طرح نهایی بیانیه پس از نظر خواهی و مشورت با نمایندگان احزاب برادر از کشورهای خاور میانه، از طرف هیئت نمایندگی حزبمان به اجلاس تقدیم و مورد حمایت یک پارچه قرار گرفت.

اجلاس احزاب کمونیست - کارگری جهان چه به لحاظ موضوع مورد بررسی و چه تصمیمات و ابتکارات انجام شده در مورد عمل هماهنگ و برنامه ریزی شده کمونیست ها در جهان، از اهمیت بسزایی برخوردار بود. اسناد اصلی مطرح شده در این اجلاس و از جمله متن سخنرانی هیئت نمایندگی حزب توده ایران به تدریج در آینده در نشریات حزبی، نامه مردم و دنیا منتشر خواهد شد.

قطعنامه در مورد فلسطین

ما، نمایندگان احزاب کمونیست - کارگری، که در اجلاس بین المللی در آتن شرکت داریم، نگرانی عمیق خود را نسبت به قتل عام ادامه یابنده مردم فلسطین از سوی اسرائیل در ده ماهه گذشته ابراز می داریم. ایالات متحده آمریکا، حامی نظامی، سیاسی و اقتصادی دولت اسرائیل مسئولیت عمده ای را در قبال سیاست عدم اعتنا اسرائیل به قوانین و عرف های بین المللی به دوش دارد. اراضی فلسطینی که در جریان جنگ ۱۹۶۷ توسط اسرائیل اشغال گردید، توسط سازمان ملل و جامعه بین الملل به مثابه سرزمین اشغالی شناخته می شوند. مردم فلسطین محق به دفاع از خود و زندگی در کشور مستقل خود می باشند و بنابراین حق دارند که در مقابل اشغال و از جمله ایجاد مناطق مسکونی اسرائیلی در اراضی اشغالی فلسطینی مقاومت نمایند. اسرائیل از قدرت نظامی خود برای سرکوب مردم فلسطین و تحکیم مناطق مسکونی اسرائیلی به منظور عملی ساختن تغییرات دموگرافیک (لحزغرفش مخکصضد و لذا ادعای حاکمیت بر این مناطق استفاده می کند.

کشتار مردم فلسطین و محاصره اقتصادی منطقه خود مختار فلسطینی توسط اسرائیل در شرایط فلج جامعه بین المللی در چهره سازمان ملل، که در اجرای مسئولیت خود به حفاظت از مردم فلسطین را به دلیل موضع آمریکا به طرفداری از اسرائیل و بی عملی اتحادیه اروپا قصور کرده است، ادامه یافته است. ما همه اعضای سازمان ملل، جامعه بین المللی و مردم جهان، را فرا می خوانیم که از حق مردم فلسطین به حفاظت بین المللی، عقب نشینی و تخلیه نیروهای اسرائیلی، خاتمه اشغال، حق مردم فلسطین به بازگشت به سرزمین های خود، و استقرار کشور مستقل که پایتخت آن بیت المقدس باشد، حمایت کنند. ما نخست وزیر اسرائیل، اویل شارون، را در رابطه با قتل عام کنونی و قتل عام های گذشته از قبیل قتل عام صبرا و شتیلا در سال ۱۹۸۲ - مسئول دانسته و خواستار محاکمه او به عنوان جنایتکاری هستیم که مرتکب جرایم بر ضد بشریت شده است.

ادامهٔ بیماری ایدز ...

شناخت مردم از بیماری ایدز تأکید کرد، باید در این خصوص، آموزش های لازم به مردم ارایه شود. (ایرنا، ۲۰ آذر ۷۹) مسئول کمیته کشوری آموزش بهداشت ایدز در گفت و گو با ایسنا، ۱۲ مهر ۷۹ در اشاره به محدودیت های موجود در ارتباط با انتقال پیام های جنسی از طریق صدا و سیما و مدارس گفت: « رهبران جامعه باید روش هایی را برای ارایه اطلاعات صحیح به مردم بیابند. در بسیاری از کشورهای مسلمان همجوار نیز این مطالب در اختیار عموم قرار می گیرد و ما ناگزیریم به این کار مبادرت ورزیم تا در آینده دچار مشکل نشویم.» در هر صورت با توجه به خطرناک بودن این بیماری و خسارت های جبران ناپذیری که متوجه منافع ملی و نسل حال و آینده میهن می سازد، و با توجه به عزم سازمان های بین المللی در این رابطه فشار بر مرتجعان حاکم را در جهت برخورد عقلانی با این بیماری و بیماران مبتلا، برای جلوگیری از پیشرفت بیشتر این بلای خانمان سوز در جامعه فراهم آوریم.

فروش میلو سوویج به غرب

دولت سرسپرده حاکم در بلگراد، که «پیروزی» خود در انتخابات ریاست جمهوری این کشور و موقعیت کنونی خود را، مدیون غرب و ناتو است، برغم تضمین های قبلی در رابطه با مقاومت در مقابل فشار ایالات متحده برای تحویل «اسلوبودان میلو سوویج» به دادگاه «جنایات جنگی» که از سوی آمریکا و ناتو در «هیگ» تشکیل شده است، در روز ۲۸ ژوئن (۷ تیرماه) رئیس جمهوری سابق این کشور را تحویل مقامات ناتو داد. این اولین بار در تاریخ معاصر است که رئیس دولت سابق یک کشور به عنوان متهم جنگی برای محاکمه در اختیار یک دادگاه بین المللی قرار می گیرد.

سران دولت بلگراد، اعتراف کرده اند که آنها تحت فشار ایالات متحده و تهدید این کشور (در صورتی که «میلو سوویج» تسلیم نگردد خبری از «کمک» های میلیاردی برای بازسازی یوگسلاوی نخواهد بود) او را تحویل داده اند. دولت یوگسلاوی، که به دلیل اجرا نکردن هیچ کدام از قول های انتخاباتی آن شدیداً از سوی مردم زیر فشار بوده است سعی دارد با این خوش خدمتی نظر کشورهای غربی را برای گسترش روابط بازرگانی با یوگسلاوی و ورود این کشور به سیستم بانکی جهانی، جلب کند. «میلو سوویج» در سه ماه اخیر در بازداشت بوده است. در هفته های اخیر با روشن شدن احتمال تسلیم دولت در مقابل فشار های آمریکا، حزب سوسیالیست و سازمان های متحد آن با برگزاری تظاهرات و اعتصابات وسیع، خواستار آزادی میلو سوویج شدند. حزب سوسیالیست در بیانیه ای که در هفته آخر ژوئن منتشر کرد، خطاب به دولت اخطار کرد که در ازای پول های آمریکایی میلو سوویج را فروشد. این حزب که تا ده ماه قبل قدرت دولتی را در بلگراد به دست داشت همچنین اعلام کرده است که جان میلو سوویج در خطر است و پس از زندانی شدن وی در ۳۱ ماه مارس امسال، امکانات پزشکی لازم برای کنترل فشار خون، در اختیار وی قرار نمی گیرد. ایالات متحده و دیگر کشورهای عضو ناتو، میلو سوویج را هدف اصلی خود قرار داده اند، چرا که وی در حال حاضر سمبل مقاومت در برابر طرح های برتری طلبانه ناتو در بالکان بوده است. زمانی که یوگسلاوی مورد آماج حملات بی وقفه کشورهای ناتو قرار گرفت و هواپیما های آنها ۷۸ روز تمام این کشور کوچک بالکان را، گاه تا ۷۰۰ حمله در روز، بمباران کردند و مردم را به بهانه «حمله به اهداف نظامی» به خاک و خون کشیدند، میلو سوویج رئیس جمهوری یوگسلاوی بود. بزرگترین جرم این کشور نپذیرفتن نظم نوینی بود که امپریالیسم خواستار تحمیل آن به این کشور کوچک بود. سرانجام نیز ناتو توانست با تهدید و تقلب در انتخابات ریاست جمهوری و شیوه جدیدی از کودتا، میلو سوویج را از قدرت برکنار کند و در انتها نیز با قرار دادن پیش شرط برای دادن وام های اقتصادی و کمک های مالی برای بازسازی خرابی های ناشی از بمباران های ناتو، با فشار برای تحویل میلو سوویج به عنوان مجرم جنگی، عملاً استقلال سیستم قضایی این کشور را نقض کند. دادگاه قانون اساسی یوگسلاوی اقدام دولت سرسپرده در تحویل «میلو سوویج» را نقض قانون اساسی کشور ارزیابی کرده و آن را غیر قانونی دانستند. ۵۱ حقوق دان و کارشناس حقوقی دانشگاه های یوگسلاوی نیز این اقدام را ناقض قوانین کشور دانستند. ده ها هزار نفر از مردم بلگراد در اعتراض به اقدام دولت در روز ۲۸ ژوئن در خیابان های پایتخت به تظاهرات گسترده ای دست زدند. دو روز قبل از تحویل «میلو سوویج» ۱۰۰/۰۰۰ نفر از طرفداران حزب سوسیالیست در بلگراد در حمایت از خواست آزادی «میلو سوویج» به تظاهرات پرداختند. بنا به اظهار نظر سران سیاسی آمریکا، انگلستان و آلمان، در زمان جنگ تلاش شد تا با بمباران های بی وقفه، عملی که باعث کشته شدن هزاران نفر و تخریب بسیاری از مناطق تاریخی، صنعتی و مسکونی شد، در میان مردم نارضایتی ایجاد کنند و میلو سوویج را به زانو در آورند. قبل از آغاز حملات ناتو و شروع بمباران ها، دولت وقت یوگسلاوی در گیر مبارزه با گروه طرفدار غرب، موسوم به «ک-ال-آ»، بود که از طرف رسانه های غربی به عنوان «نماینده» مردم معرفی می شد. این گروه کاملاً مورد حمایت مالی و نظامی آمریکا بود. آمریکا به بهانه «دفاع از حقوق مردم» و «برقراری صلح و دموکراسی»، جنگی تجاوز کارانه را به مردم یوگسلاوی تحمیل کرد. سیاست های ایالات متحده و ناتو در یوگسلاوی، نه تنها آزادی و ثبات را در منطقه بوجود نیاورد بلکه در عمل نطفه جنگ های جدیدتری را در بالکان ایجاد کرد. در حال حاضر نیز ناتو در تلاش است میلو سوویج را به دلیل مقاومتش در برابر حملات ناتو تنبیه کند تا درس عبرتی برای دیگران باشد.

کسانی میلو سوویج را به محاکمه می کشانند که خود یا دستور حملات هوایی بی وقفه زندگی را برای مردم یک کشور تلخ کردند و آنها را به خاک و خون کشیدند. کسانی که به نام دفاع از «آزادی» و «استقلال» مردم یوگسلاوی، استقلال آنها را سلب کردند و به جای آزادی، آنها را با تحمیل شرایط اقتصادی و سیاسی، به بند کشیدند. به محاکمه کشیدن میلو سوویج به عنوان «مجرم جنگی»، چیزی به غیر از تبهکاری نیست و در آن تلاش می شود تا جنایتکاران واقعی جنگی «ناجیان» بشریت معرفی شوند.

تلاش برای تشکیل اتحاد نظامی بر ضد چین

دولت بوش، با گسیل نمایندگان خود به سراسر دنیا، به دنبال یافتن پشتیبان برای «سیستم دفاع ضد موشکی» است. ایالات متحده در تدارک ایجاد یک اتحاد نظامی در آسیا است تا بتواند از آن، در قالب جدیدی از جنگ سرد، سیاست های خود را از طریق فشار های نظامی به کشورهای منطقه تحمیل کند. ایجاد این اتحاد نظامی عمدتاً به قصد اعمال فشار بر ضد کشورهای جمهوری خلق چین و جمهوری دموکراتیک خلق کره صورت می گیرد.

نشریه «هفته نامه تجاری» (صونض فنزین نمزرتظ)، ۳ ماهه (تن خرداد)، در مقاله مفصلی به نام «آسیا: استراتژی جدید آمریکا» می نویسد که در توکیو صحبت هایی جدی در مورد افزایش نقش ژاپن به عنوان محور اصلی مدافع منافع آمریکا در آسیا در جریان است. در دهلی نو نیز نگرانی های جدی در مورد پذیرش «مشتاقانه» پیشنهاد بوش برای طرح سیستم دفاع ضد موشکی از سوی وزارت دفاع هندوستان، ابراز شده است. دولت «شویی - بایان» در تایپه نیز با سرسپردگی تمام با واشنگتن همراهی می کند و در سنگاپور، دولت این کشور با «خلوص نیت»، پایگاه دریایی عظیم خود را در خدمت کشتی ها و ناو های جنگی کشورهای خارجی از جمله آمریکا قرار داده است. همین نشریه در جای دیگری می نویسد: «واشنگتن امیدوار است نقشه جغرافیایی جدیدی را برای آسیا ترسیم کند.»

دولت بوش امیدوار است بتواند به موازات گسترش روابط تجاری و سرمایه گذاری در چین، سیاست های جهان گشایانه خود را نیز ادامه دهد. کارگزاران سیاست های بوش در آسیا و اقیانوسیه، از جمله کره جنوبی، فیلیپین، و استرالیا، در دفاع از سیاست های آمریکا و پشتیبانی از آنها، همچنین در تلاش هستند تا به دولت روسیه نیز «بفهماند» که منافع سرمایه داری روسیه نیز در حمایت از سیاست های جدید آمریکا در جهان قرار دارد. اساس استراتژی جدید مبتنی بر نظامی سازی تدریجی دولت ژاپن و ایجاد اتحاد نظامی با هندوستان است. بنا به نوشته «هفته نامه تجاری»، ژاپن لازم است تا با گسترش ارتش خود در صف مقدم دفاع آمریکایی آسیا قرار بگیرد و در صورت لزوم در درگیری های منطقه وارد عمل شود. همین محله در مورد شبه جزیره کره، می نویسد: ایالات متحده، در همکاری با کره جنوبی، همچنان به تهدید کره شمالی به عنوان کشور «یاغی» ادامه خواهد داد. سیاستمداران آمریکایی امیدوارند که هندوستان به عنوان کشوری که می تواند با ایفای نقش «حفظ موازنه» در آسیا به چین فشار وارد کند، داطلبانه با آمریکا به همکاری بپردازد. اما به دلیل تضاد ها و اختلاف هایی که میان این کشورها وجود دارد، چنین اتحادی چندان پایدار به نظر نمی رسد.

دولت بوش در نظر دارد تا سناریو «جنگ سرد» را دوباره، این بار عمدتاً بر ضد چین، تکرار کند. پس از جنگ دوم جهانی، ایالات متحده سیاست ضد شوروی خود را تشدید کرد و علاوه بر ساختن موشک های مجهز به کلاهک هسته ای، توانست اتحاد نظامی ناتو را در سال ۱۹۴۹، که از کشورهای اروپای غربی تشکیل شده بود، بوجود آورد. در چنین شرایطی، اتحاد شوروی ناچار گردید نه تنها مراقب موشک های هسته ای آمریکا باشد، همچنین ناچار بود تا با ایجاد نیروی نظامی عظیمی، از بالتیک گرفته تا آدریاتیک، با تهاجم امپریالیستی مقابله کند. طرح اتحاد نظامی ژاپن و هندوستان، به عنوان نیروهای مهاجم و تحت رهبری آمریکا، تنها پس از فروپاشی اتحاد شوروی و تهدید چین، مورد بررسی قرار گرفته است. سال گذشته، نخست وزیر هندوستان «جاسوانت سینگ» اعلام کرد که، دولت او مخالف نظامی کردن فضا است. اما دو ماه پیش در دیدار با بوش، سینگ از سیستم دفاع ضد موشکی دفاع کرد و آن را مورد تأیید قرار داد. در قبال این خوش خدمتی، ایالات متحده قول کمک های اقتصادی و سیاسی را به این کشور داده است. در همین رابطه، هنری شلتون، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، در خلال این ماه از هندوستان دیدن خواهد کرد. در ژاپن نیز برغم اعتراض های نیروهای مترقی و ویژه جوانان و دانشجویان این کشور در مورد افزایش قدرت نظامی ژاپن و تغییر شکل آن از صورت تدافعی به تهاجمی، نخست وزیر جدید این کشور، «کوی زومی»، قول داده است تا ماده ۹ قانون اساسی کشور را که در رابطه با توسعه تمام عیار ارتش محدودیت ایجاد می کند، تغییر دهد. بنا به نوشته «اکونومیست»، ۱۷ مه (۲۹ اردیبهشت)، کوی زومی می خواهد ارتشی مدرن و مجهز را ایجاد کند. او خواستار نقش فعال تری برای ژاپن در اتحاد امنیتی با آمریکا است، از جمله داشتن تعهدی صریح و مشخص تا در بحران های منطقه بتواند به آمریکا کمک برساند.

در همین مورد «تایمز» می نویسد: «یک مقام رسمی آمریکا، آرمیتاج، معاون وزیر خارجه آمریکا، که در گذشته از ارتشی مجهز برای ژاپن حمایت می کرد، از توکیو خواسته است تا با ایالات متحده ارتشی مشترک را، مشابه ایالات متحده و انگلستان، تشکیل دهد. اما با تمام تلاش ها و بر آوردهایی که صورت گرفته است، ایجاد سازمانی مانند ناتو در آسیا و ادامه سیاست جنگ سرد، به دلیل رقابت های سخت تجاری میان ژاپن و ایالات متحده از یک سو، و شرایط موجود در هندوستان، مشکلات عظیم اقتصادی - اجتماعی و موازنه سیاسی شکننده موجود در این کشور از سوی دیگر محکوم به شکست است.»



اجلاس احزاب کمونیست - کارگری جهان ضرورت مبارزه سندیکا های کارگری بر ضد نظم نوین و نقش احزاب کمونیست در این روند

اجلاس سالانه احزاب کمونیست - کارگری جهان برای بررسی موضوع کلیدی «کمونیست ها، جنبش کارگری و اتحادیه های کارگری» با شرکت ۵۴ حزب از ۴۱ کشور جهان در هفته اول تیر ماه در آتن، پایتخت یونان برگزار گردید. هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در این اجلاس شرکت کرده و با ارائه تحلیلی در باره تحولات جنبش کارگری در بطن تحولات سیاسی ۸۰ ساله اخیر کشورمان، احزاب برادر را در جریان مبارزه بغرنج طبقه کارگر میهن مان گذاشت.

بحث های اجلاس با سخنرانی رفیق آلکا پاپاریگا، دبیر کل حزب کمونیست یونان، آغاز گردید. رهبر کمونیست های یونان بهره جویی محافل مدافع سرمایه داری از واژه «جهانی شدن» در سالیان اخیر را کوششی آگاهانه برای پوشاندن ماهیت طبقاتی سیستم امپریالیستی، و تحمیل این نظر است که «جهانی شدن» به روایت سرمایه داری یگانه راه در برابر جامعه بشری است. رفیق پاپاریگا، با اشاره به رشد قابل توجه و کیفی مقاومت در مقابل استراتژی «تجدید ساختار کاپیتالیستی» در اقتصاد، امور کارگری و سیاست های اجتماعی، روند احیاء مبارزات طبقاتی در کشورها و مناطق مختلف جهان را در مقایسه با اوایل دهه ۹۰ میلادی مورد توجه قرار داد.

او اشاره کرد که: «ما نباید نقش دولت شرکت های فرا ملی و برخی نیروهای راستگرا در درون جنبش سندیکایی را در تلاش برای مهار جنبش جهانی مبارزه بر ضد جهانی شدن را از نظر دور بداریم.» رهبر حزب کمونیست یونان با اشاره به نقش احزاب کارگری و کمونیستی در گسترش درک اهمیت این «طلوع دوباره» جنبش مقاومت مردمی و کمک به آن برای ساختاری شدن و حصول عمق سیاسی و طبقاتی به منظور ارتقاء آن به سطوح بالاتر، تصریح کرد: «به باور ما فقط یک جایگزین وجود دارد: طبقه کارگر و جنبش سندیکایی آن بدنه اصلی مبارزه جهانی بر ضد انحصارها و امپریالیسم را تشکیل می دهد.» رفیق پاپاریگا اضافه کرد که: «طبقه کارگر باید دست همکاری به سوی خرده بوزوازی مناطق شهری و روستاها، آن جاهایی که تولید خرده کشاورزی هنوز باقی است، و تمامی جنبش هایی که در برابر امپریالیسم مقاومت می کنند، صرف نظر از تنوع، وابستگی های سیاسی دراز کند. یک مسأله مهم ایجاد روابط نزدیک با جنبش جوانان، با مبارزه ضد امپریالیستی بر ضد نظم نوین است.» رفیق پاپاریگا توجه به چهار امر کلیدی را ضروری دانست:

الف- نیاز به مذاقه جستجو گرانه و عمیق در رابطه با استراتژی جنبش کارگری و سندیکایی چه در سطح ملی و چه بین المللی در مقابله با «تجدید ساختار» کاپیتالیستی که در حال حاضر در سراسر جهان در جریان است؛

ب- مبارزه بر ضد کاهش ارزش نیروی کار امروزه همانقدر ضروری است که در تمامی دوره قرن بیستم و در زمان مارکس و انگلس بوده است. البته حتی در شرایط حمله وحشیانه به دستمزد کارگران، درجه تاثیر مبارزات اقتصادی روزمره نباید مورد مبالغه قرار بگیرد. چه در رابطه با دستمزد و چه در رابطه با افزایش حقوق تامین اجتماعی - قطع نظر از اهمیت این مبارزه، اگر آن از کارزار عمومی بر ضد «تجدید ساختار کاپیتالیستی» و حمایت از نیاز به تغییرات در ترکیب قدرت سیاسی به نفع طبقه کارگر جدا بماند، جز بخشی کوچک از مبارزه نخواهد بود. مبارزه یی که هدف خود را تغییرات رادیکال تر قرار ندهد، دیر یا زود با دشواری های زیادی روبه رو خواهد شد؛

ج- نیاز به ضد حمله ایدئولوژیک از طرف احزاب کمونیست در رابطه با استراتژی جنبش و چشم انداز سوسیالیستی.»

رفیق پاپاریگا در این رابطه به نکات مهمی در رابطه با درک مفاهیم «جهانی شدن سرمایه داری و همچنین تاثیر توسعه علوم و تکنولوژی بر روند تولید صنعتی اشاره کرد. او ضمن توجه دادن به لزوم نگرش طبقاتی به روند تولید مدرن و نظریه «جامعه فرا صنعتی» به ضرورت افشاء نظریه هایی که به منظور زیر علامت سوال بردن طبقه کارگر آن را به یقه آبی و یقه سفید تقسیم می کنند، تأکید ورزید.

د- لزوم مقابله طبقه کارگر و اتحادیه های کارگری واقعی با سیاست های نولیبرالیستی و امپریالیستی و مقابله با ماجراجویی های نظامی ناتو و اتحادیه اروپا.

او گفت: کارگران می باید مخالفت خود با «هر نیروی نظامی که از طریق جنگ مسیر را برای سرمایه باز می کند و یا صلح امپریالیستی را آن گونه که مکرراً در بالکان، جمهوری یوگسلاوی و امروزه مقدونیه صورت گرفته، تحمیل می کند، ابراز دارند.»

xxxxx

در بحث ها و تبادل نظر های غنی و همه جانبه در میان نمایندگان احزاب کمونیست - کارگری جهان عرصه های مختلف مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان جهان مورد بررسی نقادانه، موشکافانه و راه گشایانه قرار گرفت. بسیاری از سخنرانان لزوم توجه ویژه به رشد مبارزه توده ای و توسعه یابنده در سطح جهان بر ضد سیاست های سازمان های مانند سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و همچنین اتحادیه اروپا که در قالب تظاهرات وسیع و متنوع بر ضد اجلاس های جهانی و گردهمایی های سران دنیای سرمایه و انحصارات صورت می پذیرد، را عنوان کردند. سخنرانان متعددی لزوم تدارک برای تظاهرات که قرار است در جریان اجلاس «گروه ۸» در تیرماه در ژنو (ایتالیا) انجام شود را مطرح کردند. در این رابطه لزوم و اهمیت اقدام هماهنگ و برنامه ریزی شده احزاب کمونیست - کارگری در رابطه با اجلاس های آینده سران سرمایه داری جهانی مورد تأکید قرار گرفت.

نمایندگان احزاب کمونیست - کارگری جهان، پس از استماع اظهارات نمایندگان حزب کمونیست کلمبیا و جنبش مسلحانه انقلابیون کلمبیا (مَشُوض)، حمایت خود از گردهمایی بین المللی در سان سالوادور در مخالفت با «طرح کلمبیا» و همچنین اجلاس بین المللی «برای صلح در کلمبیا» را اعلام کردند. اجلاس احزاب کمونیست - کارگری جهان، نیاز به توسعه و هماهنگ کردن عمل کمونیست ها در جنبش کارگری و سندیکایی را به منظور مقابله با تهاجم امپریالیستی و مبارزه بر ضد سیاست های نولیبرالی مورد تأکید قرار داد. اجلاس اهمیت ویژه هماهنگ کردن مبارزه جنبش های سندیکایی و بخصوص متمرکز کردن مقاومت در مقابل تجدید ساختار کاپیتالیستی و تهاجم بر ضد حقوق و دستاوردهای کارگری، مبارزه بر ضد انحصارهای بین المللی از طریق سازمان دهی تظاهرات و اعتراض کارگری در رابطه با فعالیت شعبات این انحصارها در کشورهای مختلف را مورد توجه قرار داد. و نیاز به حمایت از ابتکارات محلی بر ضد گردهمایی های رهبران و نمایندگان ساختارهای امپریالیستی در سراسر جهان را تأکید کرد. چندین تن از سخنرانان اجلاس نیاز به گسترش مبارزه بر ضد «سیستم دفاع موشکی» ایالات متحده را که موجب از سرگیری دور جدیدی از درگیری ها و یک مسابقه تسلیحاتی جدید خواهد شد، مطرح کردند. هیئت نمایندگی حزب توده ایران در اجلاس علاوه بر ارائه تحلیل جامع از شرایط طبقه کارگر، مشخصات و نیازهای جنبش کارگری در کشورمان، نقطه نظرهای حزب مان را در رابطه با نقش احزاب کمونیست

ادامه در صفحه ۶

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>
4. E-mail:mardom@tudehpartyiran.org

Nameh Mardom-NO 612
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

3 July 2001

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e.V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse